

درس هفتم

- افعال ناقصه

کان - صار - اصبَحَ - لیس

- معانی افعال ناقصه

✓ معانی کان

✓ معانی اصبَحَ - صار

✓ معنای لیس

استاد کازرون فارس @majid646

● افعال ناقصه

«کان - صار- أصبح - لیس»

فعل های ناقص در زبان عربی معادل همان فعل های ربطی (اسنادی) در زبان فارسی هستند که با چهارتا از آنها آشنا می شوید.

اکنون با معانی هریک از این افعال به تفکیک آشنا می شویم:

● کان و معانی آن:

(۱) به معنای «بود»:

اگر «کان» در جمله ای بیاید که آن جمله بر یک امر غیر ثابت دلالت کند به معنای «بود» می باشد. مثال:

كَانَ الْبَابُ مُمْغَلَقًا: در بسته بود.

در این مثال «کان» به «بود» ترجمه می شود؛ زیرا بسته بودن در، یک امر غیر ثابت و غیر دائم است.

(۲) به معنای «است»:

اگر «کان» در جمله ای بیاید که آن جمله بر یک امر ثابت و دائمی دلالت بکند به معنای «است» می باشد. مثال:

* (إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا)*: بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

در این مثال «کان» به «است» ترجمه می شود؛ زیرا آمرزنده و مهربان بودن خداوند یک امر ثابت و دائمی است.

(۳) کان + اسم یا ضمیر + فعل مضارع:

در این ترکیب «کان» ترجمه نمی شود و فعل مضارع به معادل ماضی استمراری (می + بن ماضی + شناسه «م - ی - ت (د) - یم - ید - ند» ترجمه می شود. مثال:

كَانَ الطَّالِبُ يَكْتُبُ الدَّرْسَ: دانش آموز درس را می نوشت. می شنیدند.

۴) کان + اسم یا ضمیر + «قد» + فعل ماضی:

در این ترکیب «کان» ترجمه نمی شود و فعل ماضی به معادلِ ماضی بعید (بن ماضی + ه + بود + شناسه «م - ی - د - یم + ید + ند» ترجمه می شود. لازم به ذکر است که آوردنِ «قد» در این ترکیب اجباری نیست. مثال:

کانوا قَدْ سَمِعُوا: شنیده بودند کانَ الطالِبُ سَمِعَ: دانش آموز شنیده بود

۵) کانَ + لَ یا عِنْدَ + اسم یا ضمیر:

با توجه به اسم یا ضمیر، در ترجمه از یکی از شکل های (داشتم - داشتی - داشت - داشتیم - داشتید - داشتند) استفاده می شود. مثال:

کانَ لِی خَاتَمٌ فَضَّةٌ: انگشتر نقره داشتم کانَ عِنْدَكَ مَزْرَعَةٌ: مزرعه ای داشتی

• معانی «صار» و «أصبح»:

این دو فعل هردو به معنی «شد» هستند. مثال:

صارتِ الأَرْضُ مُخْضَرَّةً: زمین سرسبز شد. أصبحَ الطالِبُ ناجحاً: دانش آموز موفق شد.

• معنی «لَيْسَ»

«لَيْسَ» به معنی «نیست» می باشد. مثال:

لَيْسَ قَوْلُكَ حَقًّا. سخن تو حق نیست

به جدول زیر توجه بفرمائید.

فعل های ناقص و ترجمه	مضارع و ترجمه	امر و ترجمه
کان: بود، است	يكون: می باشد	كُن: باش
صار: شد	يصير: می شود	صِر: باش
أصبح: شد	يصبح: می شود	أصبح: باش
لَيْسَ: نیست	-----	-----

با توجه به جدول فوق «لَيْسَ» فعل مضارع و امر ندارد.

❖ سایر شخص های «کان، صار، لیس»

فعل های «کان - صار - لیس» در اول شخص مفرد و جمع و دوم شخص مفرد و جمع و مثنی و سوم شخص جمع مونث، حرف دومشان حذف می شود. پس از حذف حرف دوم، حرف اول «کان» علامت - و حرف اول «صار» علامت - و حرف اول «لیس» فتحه - می گیرد.

به جدول زیر توجه فرمایید

لیس		صار		کان	
لَسْنَا	لَسْتُمْ	صَرْنَا	صَرْتُمْ	كُنَّا	كُنْتُمْ
لَسْتُمْ	لَسْتُمْ	صَرْتُمْ	صَرْتُمْ	كُنْتُمْ	كُنْتُمْ
لَسْتِنِ	لَسْتِ	صَرْتِنِ	صَرْتِ	كُنْتِنِ	كُنْتِ
لَسْتَمَا	لَيْسَ	صَرْتَمَا	صَارَ	كُنْتَمَا	كَانَ
لَسْتَمَا	لَيْسَتْ	صَرْتَمَا	صَارَتْ	كُنْتَمَا	كَانَتْ

نکته: وقتی یکی از افعال ناقصه (کان - صار - أصبح - لیس) بر سر جمله اسمیه بیایند موجب تغییراتی در نقش و اعراب مبتدا و خبر می شوند.

با آمدن این فعل ها بر سر جمله اسمیه به مبتدا، اسم فعل ناقص و به خبر، خبر فعل ناقص گفته می شود. اعراب اسم فعل ناقص مرفوع و اعراب خبر فعل ناقص منصوب است.

به مثال های داده شده توجه فرمایید.

اللَّهُ صَبُورٌ. كَانَ اللَّهُ صَبُورًا

مبتدا مرفوع / خبر مرفوع فعل ناقص / اسم کان و مرفوع / خبر کان منصوب

كُلُّ مَكَانٍ مَمْلُوءٌ بِالْأَزْهَارِ الْجَمِيلَةِ. صَارَ كُلُّ مَكَانٍ مَمْلُوءًا بِالْأَزْهَارِ الْجَمِيلَةِ

مبتدا مرفوع / خبر مرفوع فعل ناقص / اسم صار مرفوع / خبر صار منصوب

پایان